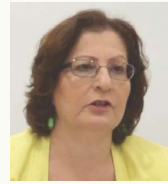


ارتجاع منطقه و «حل مسئله فلسطین»!

در حاشیه اجلاس کشورهای عربی و اسلامی

آذر مدرسی



روز شنبه ۱۱ نوامبر، درست روزی که اسرائیل شدیدترین بمبارانهای خود را در نوار غزه

آغاز میکرد و مردم بیگناه فلسطین را زیر آوار بیمارستان و مدرسه و هرسرپناهی دفن میکرد، روزی که مردم در سرتاسر جهان، از لندن تا قاهره، از کیپ تاون تا پاریس، از سیدنی تا واشنگتن برای آتش بس فوری و پایان دادن به این نسل کشی و توحش دولت اسرائیل شهرها را تسخیر کرده بودند، «اجلاس سران کشورهای عربی و اسلامی» با هیاهو و تبلیغات و وعده «عکس العمل شدید این اجلاس» در شهر جده برگزار شد. اجلاسی که یکبار دیگر فساد، ورشکستگی اخلاقی و سیاسی شرکت کنندگان و ادعای دروغین تمامی آنان در «دفاع از مردم فلسطین» را عریان تر از همیشه در مقابل چشم جهانیان و بخصوص مردم منطقه قرار داد.

این اجلاس اپیزودی از نمایش های تهوع آور «جامعه جهانی» در «دفاع» از مردم بیگناه فلسطین و ژست «تلاش» برای کشیدن افسار فاشیسم لجام گسیخته دولت اسرائیل بود. این اجلاس مانند «اجلاسهای مادر» در سازمان ملل، مملو از حرافی ها، «محکوم کردن» های توخالی، اشک تمساح ریختن برای مردم بیگناه فلسطین و قطعنامه های بی محتوی، بی خاصیت و تکراری، بدون کمترین قدرت اجرایی بود، آنهم توسط دولت هایی که برای مردم تحت حاکمیت شان حقوق حشرات را هم قائل نیستند.

قطعنامه پایانی این اجلاس تلاشی است برای لاپوشانی سکوت و همدستی این دولتها در جنایت اسرائیل علیه مردم بیگناه فلسطین! طرح خواست رسیدگی به جنایات دولت اسرائیل توسط دادگاه لاهه و تقاضا از شورای امنیت برای آتش بس، با چهار هفته تاخیر و زیر فشار افکار عمومی در منطقه و جهان و بخصوص زیر فشار جنبش توده ای حمایت از مردم فلسطین، تلاشی است برای کم کردن بار مسئولیت خود از شرکت در این جنایت و نسل کشی! در شرایطی که بشریت متمدن با خواست پایان دادن به نسل کشی اسرائیل در نوار غزه جهان را به تصرف خود در آورده است، سران ارتجاع منطقه، با لکننت زبان از «ضرورت بررسی جنایت جنگی» اسرائیل میگویند.

تنها بندی که در آن از جنایت جنگی نامی برده میشود زمانی است که از «کوچ اجباری مردم فلسطین به کشورهای خود» نام میبرند. اینجا است که شرکت کنندگان «پاسخ جمعی» خود را به «کوچ اجباری»، و نه پاکسازی قومی، میدهند و ...

- کارگران جهان متحد شوید! -



کارگران فولاد و جلال طبقه کارگر علیه فقر

خالد حاج محمدی

سه روز از شروع اعتصابات و اعتراضات کارگران فولاد اهواز گذشته است. کارگران گروه ملی فولاد از روز شنبه ۲۰ آبان به عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، حقوق های پایین، عدم همسان سازی حقوق ها اعتراض دارند و بعلاوه خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی هستند.

کارگران گروه ملی فولاد متحدانه علیه مدیریت و مقامات مسئول، علیه قول و قرارها و وعده های دروغین آنها از روز شنبه با اعتصابات چند ساعته، توقف خطوط تولید، تجمع در مقابل ساختمان مدیریت شرکت و راهپیمایی خواهان برآورد فوری مطالبات خود شدند. کارگران گروه ملی با شعار «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد، می جنگیم می جنگیم» در راهپیمایی و تجمعات خود اعلام کرده اند که تا تحقق مطالبات خود دست از تجمع و اعتراض بر نمی دارند و به وعده و وعید و قول سرخرمن مقامات شرکت اکتفا نمیکنند. طبق اخبار منتشر شده روسای حکومت و مدیریت و مقامات فولاد چندین نشست با هم داشته اند و تا کنون از نتیجه آن و جوابی روشن به کارگران معترض خبری نیست... صفحه ۲

این هفته در بریتانیا



امان کنا

- سوئلا براورمن، وزیر کشور بریتانیا، یکی از نمایندگان راست افراطی این کشور، از کابینه اخراج شد.
- مصوبه دولت، برای گسیل متقاضیان پناهندگی از بریتانیا به کشور رواندا، توسط هر پنج قاضی دادگاه، تصمیمی غیر قانونی و خلاف حداقل های بین المللی در مورد حقوق پناهندگی که بریتانیا نیز امضا کرده است، اعلام شد.
- دیوید کامرون، نخست وزیر سابق حزب محافظه کار، در عرض کمتر از نیم ساعت، به تایید شاه چارلز رسید و مقام «لرد» گرفت و به این ترتیب به عضویت کابینه در آمد و وزیر امور خارجه شد.
- بیش از یک سوم نمایندگان حزب لیبر، و استعفای تعداد قابل ملاحظه ای از کابینه سایه این حزب در پارلمان، بر خلاف دستور دبیر این حزب (کبیر استارمر)، و سیاست یکسان وی با نخست وزیر حزب محافظه کار در حمایت از دولت اسرائیل، خواهان آتش بس فوری جنگ در غزه شدند.

همراه با جنگ اسرائیل طی پنج هفته اخیر، گسترش اعتراضات عمومی علیه جنایات دولت اسرائیل، علاوه بر افشای دو رویی و استانداردهای دوگانه دولت های غربی، تناقضات و شکاف های عمومی در غرب را نیز دامن زده است. طی مدت کوتاهی، پوچی علم و کتل های دفاع از «حقوق بشر»، «تبعیت از قوانین جنگی» و غیره در میان دولت های «دمکراسی و بازار آزاد» در میان اذهان عمومی به داده بخش اعظم مردم در کشورهای غرب تبدیل شد.

در بریتانیا، حمایت بی چون و چرای دولت محافظه کار از اسرائیل و جنایات آن، تبلیغات ناسیونالیستی و تلاش برای شوراندن و کشاندن نیروهای فاشیست و دست راستی به مقابله با تظاهرات کنندگان، به جایی رسید که وزیر کشور، سوئلا براورمن، اعتراض مردم به نسل کشی دولت اسرائیل را، «تظاهرات نفرت» نامید. مردم معترض و متمدن بریتانیا، پاسخ خود را به این بی حرمتی به انسانیت را با شرکت گستره تر خود و برگزاری تظاهرات های چند صد هزار نفره، به نمایش گذاشتند. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

کارگران گروه ملی فولاد تاریخی از اعتراض و اعتصاب برای بهبود زندگی و شرایط کاری، علیه تهدید و پرونده سازی و زندان و اخراج را دارند و در یک دهه گذشته یکی از مراکز پر تحرک کارگری بوده اند. کارگران علیرغم تهدید و ارباب حاکمیت، با همه توطئه ها و دسیسه ها و تلاش برای انشقاق و چند دستگی در میان آنها، همواره متحدانه ایستاده اند. آنها در این زمینه تلاشهای ارزنده ای کرده و تجارب گرانبهای کسب کرده اند. متکی بودن کارگران به تصمیمات جمعی، برگزاری مجامع عمومی کارگری، مشورت و بحث با همدیگر برای توافقات مشترک، فراهم کردن امکان دخالتگری همه کارگران و در اختیار گذاشتن میکروفون برای این دخالتگری ها و نهایتاً تصمیم جمعی گرفتن، مهمترین ابزار کارگران برای تامین صفی متحد در مقابل دولت و کارفرمایان بوده است. بعلاوه حمایتهای متقابل آنها و کارگران هفت تپه در اعتراض و اعتصابات کارگری در این دو مرکز از تجارب درخشان و ارزنده کارگران این دو مرکز و از دستاوردهای طبقه کارگر است.

تجمع روز دوشنبه کارگران این مرکز و اعلام اینکه هر کس حق دارد حرف خود را بزند، ادامه همان پدیده و بیان همان تجربه کارگران در مبارزات تاریخ خود است. بی تردید کسب موفقیت در این اعتصابات امری که کارگران در مقابل خود قرار داده اند، همچنانکه کارگران فولاد بر آن تاکید دارند، در گرو حفظ این اتحاد و متکی بودن آنها به تصمیمات جمعی در این مرکز است. کارگران فولاد و هر مرکز کارگری لازم است، این سنت مهم کارگری را به پدیده ای همیشگی تبدیل کنند. مبارزه برای بهبود و رفاه، برای امنیت شغلی، علیه تهدید و ارباب و پرونده سازی و اخراج، امری موقتی نیست. ما در جدال روزانه با کارفرمایان و دولتشان جهت تامین نان شب و حتی حفظ وضع موجود هستیم. این مبارزه تا زمانی که سرمایه داران حاکم و حکومتشان حکم میرانند و از هر فرصتی برای تعرض به سهم کارگر از دسترنج و نتیجه کار خود ادامه میدهند، در جریان است. نیاز به اتحاد کارگران به عنوان تنها ابزار مقابله با تعرض سرمایه داران امری همیشگی و به همین اعتبار جمع شدن و تصمیم جمعی گرفتن، بحث و مشورت با همدیگر، تعیین هر تاکتیک و سیاستی لازمه اش اتکا به مجمع عمومی کارگران است. ما روزانه زیر فشار تبلیغاتی حاکمین هستیم و روزانه محتاج مقابله با آن و تامین اتحاد درونی خود هستیم. لذا تجربه ارزشمند کارگران این مرکز و اتکا به مجامع عمومی کارگری هم لازم است به امری دائمی و منظم تبدیل شود.

پیروزی ما در مبارزه با سرمایه داران همزمان در گرو حمایتهای عملی بخشهای دیگر طبقه کارگر است که امروز زمینه آن به مراتب از گذشته مهیا تر است. کارگران گروه ملی فولاد مانند صدها مرکز کارگری در سالهای گذشته در عین حال با فریب کاری، شقاوت و بی توهمی، بکارگیری همه حربه های ضد کارگری از جانب کارفرمایان و دولت حاکم آشنا هستند. اکنون فقط چند ماه از صادر شدن حکم شلاق و جریمه و حبس تعزیری برای ۱۷ کارگر این مرکز با درخواست بخش خصوصی شرکت، از جانب «دادگاه انقلاب» اهواز در پنجم مهر ماه ۱۴۰۲ به جرم اعتراض و حق طلبی، گذشته است. هنوز هم تعدادی از کارگران اخراج شده این مرکز بر سر کار بازنگشته اند، چیزی که به درست از مطالبات کارگران این مرکز در این روزها هم هست.

مستقل از سرنوشت این اعتصاب معین، اکنون جامعه ایران شاهد وسیع ترین اعتراضات، تجمع و اعتصابات کارگری و اقصای محروم جامعه است. فقر و محرومیتی که حاکمیت میکوشد به طبقه کارگر و مردم محروم تحمیل کند، با سد مقاومت و اعتراض کارگران و اقصای محروم روبرو شده است. طبقه کارگر و مردم محروم در توازن قوای جدیدی که هم با اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگری، معلمان، بازنشستگان و با اعتراضات وسیع و میلیونی زنان، جوانان و مردم آزادیخواه در یک سال گذشته تامین و حاکمیت به عقب رانده شده است، تن به جهنمی که به عنوان زندگی سهم آنها شده است، نمیدهند.

علاوه بر کارگران فولاد اهواز، از اواخر تیر ماه ۱۴۰۲ به بعد شاهد اعتراضات بیش از ۱۳۰۰ کارگر فولاد گیلان (خزر) بوده ایم که خواهان بالا رفتن دستمزدها، پرداخت حق اضافه کاری، پاداش تولید و اجرای طرح طبقه بندی و... بوده ایم. روز یکشنبه ۲۱ آبان، شاهد تجمعات بازنشستگان صنایع فولاد و معادن در تهران بودیم. اکنون چند ماه است ما شاهد تجمعات بخشهای مختلف از کارکنان و کارگران مراکز نفتی، پتروشیمی و گاز و کارگران معادن هستیم. بعلاوه مدتهای طولانی است که شاهد تجمع و اعتراض متحد و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی و بازنشستگان کشوری هستیم که در خوزستان بازنشستگان فرهنگی هم به آنها پیوسته اند. در این روزها در دهها شهر ایران تجمع بازنشستگان برگزار شده است. همزمان با اعتراضات کارگران فولاد شاهد تجمع کارگران

شهرداری ایلام، و بعلاوه تجمع بزرگ پرستاران در تهران و اراک در همین چند روز هستیم. محور اصلی در تمام این اعتراضات و صدها تجمع کارگری دیگر در سراسر کشور، مقابله با فقر و برای بهبود و تامین زندگی ای انسانی تر است.

طبقه کارگر در این دوره بیش از هر زمانی و بطور سیستماتیک علاوه بر سرکوب مستقیم، گسیل نیروهای مسلح، گارد ویژه، دستگیری و زندان و شلاق، اخراج از کار و گرسنگی دادن به کارگر معترض، با یک پدیده دیگر که گرسنگی دادن جمعی طبقه کارگر است، روبرو است. این پدیده ظاهراً به عنوان سرکوب و حمله به تجمعات کارگری، دستگیری و زندان نگاه نمیشود. اما امروز مهمترین فاکتور در سرکوب جمعی طبقه کارگر است که در قالب گرانی روزمره مایحتاج عمومی از قیمت نان و کرایه خانه تا مخارج درمان و...، مستقیماً دستمزد ناچیز این طبقه را مورد تعرض قرار میدهد. در مقایسه با بالا رفتن قیمت های هر روزه ابتدایی ترین مایحتاج عمومی، بالا رفتن حداقل دستمزد سالانه که آنهم با زور و فشار طبقه کارگر به حاکمیت تحمیل میشود، و حاکمیت با لاف زنی تحویل ما میدهند، به کاهی از کوهی میماند. این براترین ابزار سرکوب و مهمترین ابزار حاکمیت علیه طبقه کارگر است. در زمانی که زندان و دستگیری و شلاق، اعدام و شکنجه کارگر معترض به یمن مبارزات ما و اعتراضات وسیع جامعه، کارآیی گذشته خود را از دست داده است، تعرض به معیشت طبقه کارگر با گرانی سرسام آور هر روزه به وسیله ای برای به استیصال کشاندن ما و به ابزار جدی انشقاق در میان طبقه ما تبدیل شده است.

مبارزات دوره گذشته کارگران فولاد و هفت تپه و حمایت عملی آنها از همدیگر، یکی از بزرگترین دستاوردهای کارگران این مراکز است. این تجربه ارزشمند که بیان همدلی و درک همسرنوشتی کارگری در این دو مرکز است، امروز در بخشهای دیگر و در اعتراضات بازنشستگان تکرار میشود. ما برای پیروزی و برای ایجاد سدی جدی در مقابل تعرض دولت و طبقه بورژوازی حاکم به سطح معیشت خویش، بیش از هر زمانی به تصمیم این تجربه احتیاج داریم. امروز و با مبارزات سراسری و متحد مردم آزادیخواه که رهایی زنان را پرچم خود کرد و جمهوری اسلامی را به پرتگاه سرنگونی نزدیک کرد، بیش از همیشه زمینه چنین اتحادی ممکن است. در این دوره مرزهای کاذب ملی، اختلافات زبانی، تقسیمات قومی، مذهبی، جنسی و ایرانی و غیر ایرانی بدرجه زیادی حاشیه ای شد. اکنون امکان تامین یک همبستگی و اتحاد کارگری فرا محلی و فرا فابریکی بیش از هر زمانی ممکن است و این مهمترین ابزار پیروزی ما حتی در یک فابریک و از جمله در اعتراضات کارگران فولاد اهواز است.

طبقه کارگر و همه اقشار مختلف مردم محروم اکنون با فقری سازمانیافته از جانب بورژوازی ایران و دولتشان روبرو هستند. گرانی روز افزون سیاست رسمی آنها برای کاهش دستمزد ما و کوچک کردن سفره خانواده کارگری است. هر میزان پیشروی آنها در این زمینه، ما را فقیر تر و سرمایه داران را قوی تر میکند. ما باید بتوانیم در مقابل هیولای فقر سدی سراسری و محکم ببیندیم و این صف بستن بطور عملی در هر اعتصاب و اعتراض کارگری با حمایت عملی بخشهای دیگر تامین میشود، چیزی که موقعیت مبارزاتی کنونی را قدمی به نفع اتحاد فرا محلی ما را تامین کند.

کارگران کمونیست، سوسیالیستها و رهبران عملی آگاه و بانفوذ طبقه کارگر، حلقه اتصال و اتحاد بخشهای مختلف این طبقه در این زمینه هستند. این نقش بر عهده آنها است! پیروزی در جدال کنونی با بورژوازی ایران و حکومتش و مقابله با گرانی، فقر، گرسنگی، دستمزدهای زیر خط فقر، اخراج از کار و بیکاری وسیع و بی حقوقی عریان که امروز اکثریت عظیمی از مردم محروم و طبقه کارگر حتی در مراکز صنعتی را با تحمیل فقر بلعیده است، در گرو تامین اتحادی وسیعتر است، اتحادی که کمونیستهای این طبقه پرچمدار و پراتیسین جدی آن باید باشد.

کارگران کمونیست!
حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل
حزب شما است.
حزب را از آن خود کنید!

برای «ساکت نگاه داشتن» انفجار اعتراضی است که در خود این کشورها جریان دارد و دادن چهره ای «مقبول» نزد جهانیان، تا کمترین کمک انسانی به مردم گرفتار در جهنم غزه. مدتها است ربا، دروغگویی، حرف مفت زدن و چک بی محل کشیدن سنت و نرم «جامعه جهانی» است!

این اجلاس، این واقعیت را که معضل فلسطین «وبال گردن» کشورهای منطقه شده است را به شنبیع ترین شکل خود نشان داد. امروز این واقعیت که سران دول منطقه مطلقا مشکلی با راه حل نتانیاهاو برای «حل» معضل فلسطین از طریق یک نسل کشی و پاکسازی قومی کامل ندارند، البته به شرطی که عواقب این پاکسازی قومی یقه آنها را نگیرد، مسئولیتی پای آنها نگذارد و موقعیت سیاسی و اقتصادی شان را در منطقه خدشه دار نکند، به شکل زمختی در مقابل چشم جهانیان قرار گرفته است.

هنوز جوهر قطعهنامه خشک نشده بود که تبلیغات دولتهای شرکت کننده حول هدف اصلی این اجلاس، آغاز شد. همه شرکت کنندگان، از جمهوری اسلامی و ترکیه و سوریه تا عربستان، مصر و امارات، نه از «موفقیت» یا چشم انداز موفقیت در افسار زدن به ماشین جنایت جنگی اسرائیل، نه از چشم انداز پایان دادن به این نسل کشی، که از تحکیم موقعیت خود، از ترمیم رابطه های ضربه خورده در منطقه گفتند و نوشتند. جمهوری اسلامی از پیروزی خود در این اجلاس و در بهبود روابط با عربستان و ضرورت «دیالوگ مستقیم رهبران» نوشت، اردوغان از بهبود موقعیت خود در جهان اسلام و عربستان از نقش محوری خود در «اتحاد» کشورهای اسلامی گفت! مصائب مردم فلسطین بهانه و مستمسکی بود برای حل «کدورتها»، اختلافات درونی قطب ارتجاع منطقه! ظاهرا فاجعه و نسل کشی از مردم غزه، سرمایه ای به سرمایه های هریک از نیروهای ارتجاع در منطقه، افزود!

دلک بازی سران کشورهای عربی و اسلامی، مینباتوری از دلک بازی و بالماسکه «سازمان ملل» و شورای امنیت آن در کشیدن چک بی محل، در حرافی و در شرکت در جنایت جنگی اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری است. جنبش توده ای حمایت از مردم فلسطین راه خود را در تقابل با این «حامیان» و «جامعه جهانی»، در تقابل با تمام عاملین این جنایت جنگی پیدا خواهد کرد. جنبشی که در فردای آزادی مردم فلسطین و بازگرداندن حرمت، احترام، زندگی، آزادی و رفاه و امنیت به آنان، تک تک عاملین چند دهه کشتار و قتل عام، از سران دولت اسرائیل تا سران دولتهای غربی و جمهوری اسلامی و کشورهای عربی و «جامعه جهانی»، را در دادگاههای مردمی خود به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات خواهد کرد. بشریت متمرد دین خود به مردم فلسطین را ادا خواهد کرد.

اعلام میکنند کوچ مردم فلسطین به کشورهای شان خط قرمز و جنایت جنگی است. اعلام میکنند که خط قرمزشان «منافع ملی» است و نه پاکسازی قومی میلیونها انسان بیگناه! ریاکارانه «تحریم انسانی مردم گرفتار در غزه، از جمله فراری دادن کودکان و نوزادان» برای پناه بردن به کشورهای تحت انقیاد شان، را زیر لوای مخالفت با دولت اسرائیل پنهان میکنند.

بیاینه پایانی این اجلاس در جواب به فشار جنبش حمایت از مردم فلسطین، چه در سطح محلی و چه در سطح بین المللی، با «محکوم کردن» های نه چندان شدداد و غلاظ، پاس دادن همه چیز به «جامعه بین المللی» و «نهادهای بین المللی»، که هیچ زمانی مانند امروز بی خاصیت و تمایزی بودن شان عربیان نشده بود، عملا و رسما اعلام میکنند کشورهای شرکت کننده نه اشتها و تمایلی به پایان دادن به این جنایت و توحش و نسل کشی دارند و نه توان و تمایلی به حل مسئله فلسطین و پایان دادن به مصائب چند دهه مردم فلسطین. بیاینه پایانی این اجلاس دیوار آخرین توهومات به دفاع این دولتها، از ایران و ترکیه تا مصر و عربستان، از مردم فلسطین را فروریخت. حکومت هایی که هریک سابقه ای تاریخی در گرفتن امتیازهای سیاسی بی مالی و نظامی از قدرت های بزرگ تر در اروپا و آمریکا، برای تمام از صحنه خارج شدن، دارند.

سران ارتجاع منطقه، در قطعهنامه شان از همه کشورهای می خواهند که «صادرات سلاح و مهمات به مقامات اشغالگر را متوقف کنند» و همزمان خود، از ترکیه تا امارات و عربستان سوخت مهب افکن ها و تانکهای دولت فاشیست اسرائیل را تامین میکنند و هنوز حتی یک روز هم صادرات نفت و گاز خود به اسرائیل را متوقف نکرده اند. در قطعهنامه شان از ضرورت «لغو محاصره اعمال شده علیه غزه و ورود فوری کاروانهای کمکهای بشردوستانه که شامل مواد غذایی، دارو و سوخت به غزه» میشوند. در صورتیکه خود بدون تأیید و اجازه دولت اسرائیل حاضر به شکست این محاصره و رساندن حتی یک لیوان آب به مردم در محاصره غزه نیستند. از ضرورت فشار سیاسی به دولت اسرائیل برای آتش بس میگویند، اما تا امروز حتی یکی از شرکت کنندگان در اجلاس به روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی خود با اسرائیل خدشه ای وارد نکرده و هنوز از ضرورت اجرا «پیمان ابراهیم» و عادی سازی روابط با اسرائیل حرف میزنند.

قطعهنامه پایانی این اجلاس، این چپکیده سیاستهای ارتجاعی تاکنونی تمام شرکت کنندگان، انعکاسی است از فشار پائین به حکومتها ارتجاعی خود، برای اقدامی عملی در پایان دادن به کشتار و جنایت علیه بشریت در نوار غزه و کرانه باختری و برای حل مسئله فلسطین! این قطعهنامه و این «تلاش» ها، تنها و تنها

این هفته در بریتانیا...

تظاهرات های منظم و پی در پی که نه تنها دولت اسرائیل، بلکه حامیان آن، دولت بریتانیا و حزب لیبر اپوزیسیون آن در پارلمان، را شریک جرم این نسل کشی نامید. در این چند هفته، شدت و گستردگی تظاهرات به حدی رسیده است که دیگر حتی پلیس هم فهمیده بود که دستورات دولت و وزیر کشور آن برای ممنوعیت تظاهرات و دفاع از مردم فلسطین به بهانه «یهودی ستیزی» کارساز و قابل اجرا نبوده و نیست. در این شرایط، و با در نظر گرفتن موقعیت فعلی حزب محافظه کار و عدم محبوبیت لیبر آن، ریشی سوناگ، اخراج سونلا براورمن، بیش از هر چیز ناشی از فشاری است که جامعه از پایین به هیئت حاکمه بریتانیا و دولت آورده است. برخلاف تلاش های دولت و میدیای رسمی برای «عادی» نشان دادن این اخراج تحت عنوان «تغییر کابینه»، امروز همه می دانند که این موج اعتراضی عمومی است که نخست وزیر دست راستی بریتانیا را مجبور کرده است که تا همینجا، حداقل به کنار گذاشتن چهره های شناخته شده راست افراطی در حزب خود، تن دهد. تعجیل در اضافه کردن دیوید کامرون به کابینه، کسی که هنوز پرونده اش در جلب امکانات مالی و فساد باز است، بعنوان یکی از چهره های غیر راست افراطی درون حزب محافظه به حساب آورده می شود، نیز از همین جهت است.

وزیر کردن دیوید کامرون، فردی که در انتخاباتی شرکت نکرده، انتخاب نشده و وکیل پارلمان نیست، ولی یکبار به کابینه وارد میشود، البته بی سابقه نیست. در گذشته نیز، گر چه به ندرت، دولت های حاکم، و نمونه اخیر آن توسط دولت لیبر هم، انجام گرفته است. آنچه در اینجا بیش از همه مورد توجه است این است که در «دمکراسی پارلمانی»، «دمکراسی» که در آن ادعا می شود که پارلمان جای «نمایندگان منتخب مردم» است تنها برای جلوگیری از شرکت مستقیم مردم است. برای حکومت کنندگان اما، با تبصره هایی چون «مواقع و موارد ضروری»، هر دم که خودشان لازم بدانند، می توانند این پروسه حقوقی را هم کنار زنند. چیزی که مدافعان «دمکراسی پارلمانی» از ادعان به آن طفره می روند این است که در کنار این پارلمان، مجلس دیگری، مجلس لردها، مجلس اعیان وجود دارد. مجلس دیگری که راه ورود به آن از پروسه دیگری می گذرد و در بریتانیا، این مهد «دمکراسی پارلمانی»، می توان با فرمان شاه به عضویت این مجلس درآمد. به چنین عضوی مقام مادام العمر «لرد» می دهند، مادام العمر حقوق چند

ده هزار پوندی می گیرند و می تواند از این طریق بدون هیچ انتخابی از پایین و توسط مردم، به عضویت کابینه دولت هم در آیند! پوچی دمکراسی غربی در دل اوضاع بحرانی بریتانیا گویا تر از آن است که با هیچ بهانه ای بتوان آنرا ماستمالی کرد. ضربه دیگر به مشروعیت «دمکراسی پارلمانی» در بریتانیا را نشست ویژه پارلمان در رابطه با بررسی لایحه «آتش بس فوری» زد. پس از چند هفته تظاهرات های چند صد هزار نفره در لندن و شهرهای مختلف بریتانیا، دیروز هزاران نفر با خواستن آتش بس فوری در مقابل پارلمان تجمع کردند و «نمایندگان» همین مردم با استفاده از «حق رای پارلمانی» خود به این خواست نه گفتند و حتی حاضر به تصویب لایحه «آتش بس بشردوستانه» هم نشدند. این فریبکاری «دمکراسی پارلمانی» را باید با حکومت شورایی که هر نماینده ای موظف به پاسخگویی به انتخاب کنندگان و «موکلین» خود هستند و با رای اکثریت در هر زمان قابل عزل اند مقایسه کرد تا عمق آزاد و دمکرات بودن حکومت شورایی را درک کرد. حکومتی که مردم خود مستقیما در اداره جامعه شرکت دارند و مجبور نیستند که هر نمایندگان را برای مدت ۴ سال، پنج سال و ... بدون هیچ قدرت عزل کردنی، تحمل کنند. حکومتی است که بیشترین حق و گسترده ترین میزان دخالتگری برای مردم را ممکن می کند.

امروز، بیش از گذشته، هم سویی دولت محافظه کار بریتانیا و اپوزیسیون پارلمانی آن، حزب لیبر، در حمایت از جنایات دولت اسرائیل، به یکی از حادثترین معیارهای بی ربطی این سیاستمداران به خواست های انسانی و عمومی در این کشور تبدیل شده است. مردمی که با وجود اعتراض های خود علیه جنگ خلیج، شاهد همکاری نزدیک و دخالت مستقیم دولت لیبر به رهبری تونی بلر با دیگر دولت های غربی، در کشتار مردم عراق بودند، بار دیگر در مقابل دولت و پارلمان قرار گرفته اند. اینبار اما، حمایت احزاب پارلمانی و دولت از جنایات اسرائیل به حدی آشکار در مقابل خواست مردم این کشور قرار گرفته است که شکاف های جدی اجتماعی را دامن زده و تعمیق میدهد. مسلما، در این میان فضای عمومی برای آزادیخواهی و مقابله با همدستان فاشیسم حاکم در اسرائیل گسترده تر شده است. بدون شک در این فضا، انسانیت و مقابله با نسل کشی، در مقابل افسار گسیختگی حکومت ها و دولت های غربی سهم بسزایی بازی می کند. این فضا در عین حال امکان رشد بیشتری برای نیروی آزادیخواه و کمونیست فراهم آورده است تا صف جدی و پشتوانه مناسبی برای پیشروی های وسیعی را در جامعه ممکن سازد.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena